

نقش معلم در جامعه پذیری دانش آموزان

سیده فریبا اطمینانی
کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی - شاهین شهر

شاید این تصور در میان عوام رایج باشد که کار معلم فقط انتقال دانش است، اما واقعیت خلاف این تصور است. معلم به عنوان رابط بین جامعه و مدرسه، همواره این دو را به یکدیگر نزدیکتر می‌کند و اصولاً اگر در جامعه‌ای آموزش و پرورش با زندگی اجتماعی پیوند نداشته باشد، اعتبار و اهمیت خود را از دست می‌دهد. کودک انسان در لحظه تولد تنها یک ارگانیسم است و این فرایند تأثیر پذیری از

آموزش و پرورش، اصولاً موضوع یا پدیده‌ای اجتماعی است و مربیان و معلمان، به عنوان مهم‌ترین کارگزاران این نهاد، در همه دوران‌ها و در تمامی جوامع، با توجه به اهداف آن سعی داشته‌اند تا شخصیت متعلمین خود را متناسب با نیازهای جامعه و برای عضویت در جامعه و ایفای نقش در آن آماده سازند.

۲۷

پهنه

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی
اسفند ۱۳۸۵ - شماره ۹

بزرگسالان است که از طریق القای مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی و هنجارها او را به يك انسان اجتماعی، که قادر به ایفای نقش‌های اجتماعی است، میدل می‌سازد. درست به همین دلیل است که یکی از کارکردهای مهم نهاد آموزش و پرورش، اجتماعی کردن افراد جامعه است. مدارس و معلمان امروز از لحاظ تغییر افراد نقشی مهم بر عهده دارند و از لحاظ انتقال دانش و مهارت‌های فنی به عامل

نخستین جامعه‌پذیری میدل شده‌اند، ولی تأثیر آن‌ها به این امر خلاصه نمی‌شود. معلمین با انتقال نگرش‌های جدید در زمینه‌های اخلاقی، عاطفی، فرهنگی و سیاسی موجب تغییر و پرورش اجتماعی دانش‌آموزان نیز می‌گردند.

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن فرایندی است که به انسان راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد و ظرفیت‌های او را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضو جامعه توسعه می‌بخشد (کوئن، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳). از منظر دیگر جامعه‌پذیری فراگردی است که طی آن فرد شیوه‌های رفتاری، باورها، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگی خاص جامعه را یاد می‌گیرد و آن‌ها را جزو شخصیت خود می‌سازد (ستوده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۹۴).

بنابراین می‌توان جامعه‌پذیری را فرایند هم‌نوایی یا عدم هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، آداب و رسوم و نگرش‌های جامعه از طریق تعامل بین فرد و جامعه دانست که بر این اساس،





جامعه‌پذیری فرد يك روند مستمر و پیوسته دارد که خاص دوران کودکی انسان نیست و در جریان کنش متقابل فرد با دیگر انسان‌ها به وقوع می‌پیوندد و در طی این جریان است که فرد یاد می‌گیرد خودش را به عنوان موجودی مستقل و جدا از دیگران بشناسد.

اهداف بنیادی جامعه‌پذیری

- مهم‌ترین مقاصد و اهداف مشترك جامعه‌پذیری در تمامی جوامع را می‌توان به طور خلاصه بدین شرح بیان کرد:
- ۱- آموزش قواعد، آداب و عادات رفتاری روزمره تا روش‌های علمی به افراد.
 - ۲- ایجاد هویت فردی از طریق برآوردن خواست‌ها و آرزوها یا ممانعت از دستیابی به آن‌ها.
 - ۳- آموزش نقش‌های اجتماعی و نگرش‌ها، انتظارات و گرایش‌های مربوط به آن‌ها.
 - ۴- توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دیگران (علاقه‌بند، ۱۳۷۸، ص ۷۳).

عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری

عمده‌ترین عوامل اجتماعی کردن، خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های جمعی‌اند. در حالی که خانواده در جوامع ابتدایی مسئول مستقیم جامعه‌پذیری نخستین در دوران کودکی است، در جوامع پیشرفته این مسئولیت به سازمان‌های رسمی مانند آموزش و پرورش واگذار شده است. در واقع مدرسه نخستین دستگاهی است که به عنوان واسطه انتقال دانش و مهارت تأثیرات بسیار فراتری بر افراد اعمال می‌کند که در این میان شاید بتوان نقش معلم را به عنوان مهم‌ترین عامل در جامعه‌پذیری افراد در دوران تحصیل دانست.

استمرار و بقای هر جامعه مستلزم آن است که مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های

استمرار و بقای هر جامعه مستلزم آن است که مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های آن به نسل‌های جدید منتقل شود. ساخت و کار یا وسیله این انتقال، آموزش و پرورش است و آموزش و پرورش، به معنی اعم، مترادف یا جامعه‌پذیری است.

آن به نسل‌های جدید منتقل شود. ساخت و کار یا وسیله این انتقال، آموزش و پرورش است و آموزش و پرورش، به معنی اعم، مترادف یا جامعه‌پذیری است (علاقه‌بند، ۱۳۷۸، ص ۱۷). از سوی دیگر، آموزش و پرورش به عنوان يك نهاد اجتماعی برای انجام این وظیفه خطیر به مشارکت افراد انسانی به عنوان کارگزار نیازمند است که یکی از مهم‌ترین این افراد معلمان‌اند. رابطه عاطفی بین معلم و دانش‌آموزان، مخصوصاً در سنین کودکی، تفاوت علمی بین آن‌ها و اقتدار رسمی معلم، جایگاه ویژه‌ای برای او آماده می‌کند. نحوه‌گزینش، چگونگی تدریس و اهمیت دادن به بعضی مطالب از يك طرف و میزان تبعیت و اطاعت عملی معلم از قوانین و احساساتش نسبت به ملت و کشور خود از طرف دیگر، در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان تأثیر بسیار مهم دارد. معلم

آموزش و پرورش رسمی از طریق آموزش اخلاقی تهدیدهایی را که به واسطه خودمحوری برای نظم اجتماعی ایجاد می‌شود، کاهش می‌دهد و معلم با سجایای اخلاقی می‌تواند محور این تربیت باشد

می‌گردد که معلم خود رفتار متواضعانه‌ای در راه رفتن، حضور در فعالیت‌های گروهی و... به دانش‌آموزان نشان دهد (رمضانی، ۱۳۸۵، ص ۹).

۲- انتقال و فهم میراث فرهنگی: یکی از ویژگی‌های فرهنگ، آموختنی بودن آن است که به منظور جلوگیری از نابودی آن، انتقال آن از نسلی به نسل دیگر اهمیت می‌یابد. آموزش و پرورش و به خصوص معلمان، در انتقال فرهنگ به شیوه صحیح و انتخاب عناصر فرهنگی مناسب نقشی مهم ایفا می‌کنند. معلمان با متمایز کردن ارزش‌های مناسب از ارزش‌های نامناسب و متبلور ساختن سنت‌ها و اعتقادات ناب در وجود دانش‌آموزان، در حفظ استقلال فرهنگی و بازسازی فرهنگی هر کشور بسیار تأثیرگذارند. در واقع معلم عصر حاضر مسئولیتی فرهنگی در جامعه دارد.

۳- شکل‌گیری هویت: هویت عبارت است از مجموعه مشخصاتی که موجب بازشناسی یک شخص از سایر هم‌نوعانش می‌شود. هر فرد دارای هویت‌های چندگانه‌ای چون هویت فردی، سنی، جنسی، نژادی، طبقاتی، ملی و فراملی است که هیچ یک از این هویت‌ها در تقابل با دیگری نیست، بلکه مکمل آن نیز هست (شیخاوندی، ۱۳۸۱، ص ۴).

مدرسه به عنوان عامل مهم در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، نقشی مؤثر در هویت بخشی به آن‌ها از طریق یاددهی ارزش‌ها و هنجارها دارد، به طوری که پس از پایان دوران تحصیل، دانش‌آموزان باید بدانند که کیستند و پاسخ‌هایی مناسب برای این سؤال مهم هویتی یافته باشند. تأثیرپذیری زیاد دانش‌آموزان از معلمان در مقایسه با افراد دیگر و الگو قراردادن آنان، نقش معلمان را در شکل‌گیری هویت فردی دانش‌آموزان در جریان جامعه‌پذیری بیشتر روشن می‌نماید.

هم می‌تواند الگو و سرمشق عملی برای دانش‌آموزان باشد و هم با توجه به اختلاف سطح علمی و فکری با شاگردان، مطالب مورد نظرش را به شکل منطقی و مستدل به آن‌ها ارایه دهد.

بدین ترتیب برخی از آثار معلمان در پرورش اجتماعی و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان را می‌توان در قالب موارد زیر بیان کرد:

۱- آموزش سجایای اخلاقی و اصلاح رفتارهای نامطلوب: معلم به عنوان یک اسوه، در دست‌یابی انسان به مراتب عالی کمال انسانی نقشی مهم برعهده دارد. همه کارها و رفتارهای معلم برای دانش‌آموز سند است و همچون آینه‌ای آن‌ها را منعکس می‌سازد. اندیشه‌ها، سخنان و رفتار معلم، پندار، گفتار و کردار دانش‌آموزان را شکل می‌دهد و بیشتر انتظارات دانش‌آموزان نیز این است که معلمان خوب بیندیشند و گفتارهای عاطفی با بار مثبت و سازنده داشته باشند (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۶، ص ۵۱). معلم در بازسازی و اصلاح رفتارهای نامطلوب و سوق دادن دانش‌آموزان به سوی اخلاق نیکو نقش بسزایی دارد. کار معلم مراقبتی است از یک حیات در حال رشد، سرپرستی و راهنمایی مداوم مرتبی و زیر نظر داشتن دائمی تغییرات و تحولات جسمی و روانی و جهت دادن او به سوی اهداف عالی انسانی (آیت، ۱۳۸۴، ص ۱۱). در واقع آموزش و پرورش رسمی از طریق آموزش اخلاقی تهدیدهایی را که به واسطه خودمحوری برای نظم اجتماعی ایجاد می‌شود، کاهش می‌دهد و معلم با سجایای اخلاقی می‌تواند محور این تربیت باشد (مایر، ۱۳۸۰، ص ۱۰).

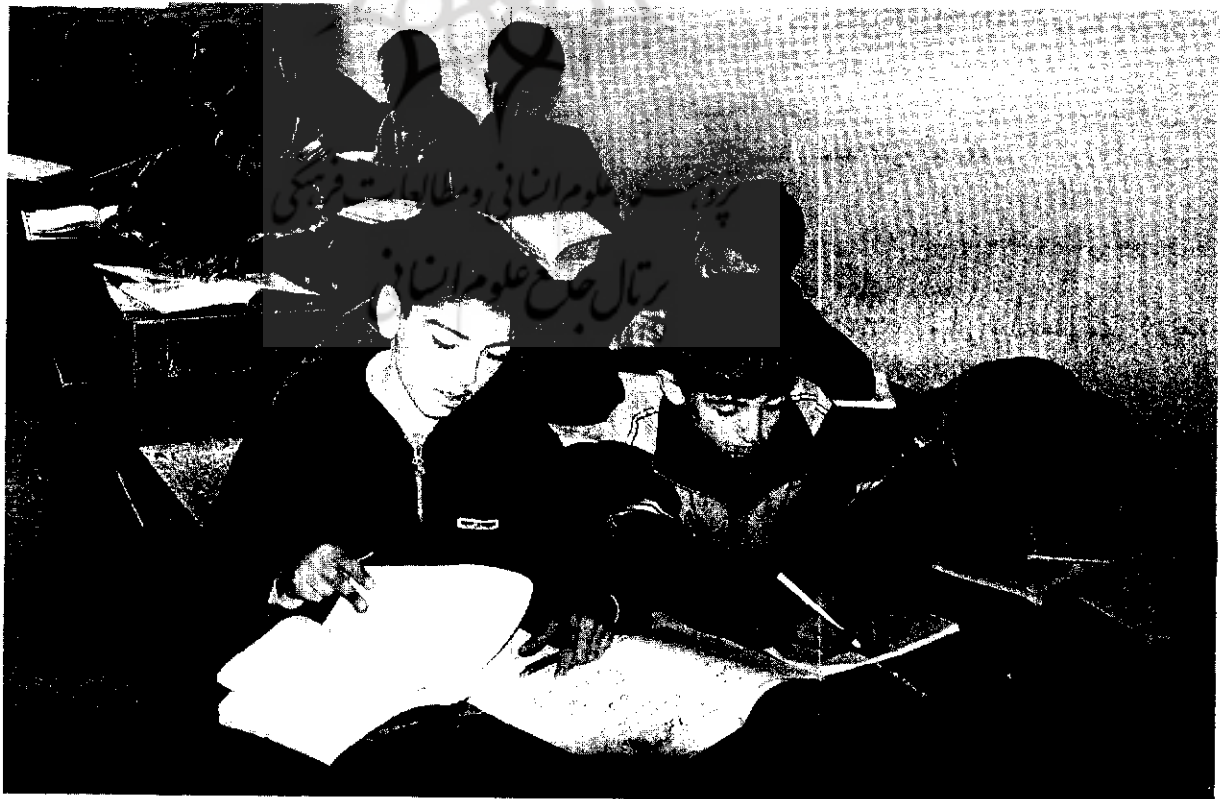
از این روست که از معلمان خواسته شده به جنبه‌های اخلاق و رفتار خود توجه داشته باشند و در انتخاب الگو به اسوه‌های عالی و کامل انسانی همچون پیامبر اسلام و ائمه توسل جویند، زیرا این معلم است که با توجه به ابعاد تأثیرگذار خود می‌تواند ارزش‌های اخلاقی زیادی را از طریق اعتمادسازی در فضای کلاس به دانش‌آموزانش منتقل کند. آموزش خصلت تواضع و فروتنی هنگامی میسر

اصولاً یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش ایجاد حس مسئولیت مدنی، احترام و علاقه به کشور خویش و خدمتگزاری شایسته به آن در میان دانش‌آموزان است. مدارس از طریق کارگزاران خود یعنی معلمان روحیه تعلق به یک ملیت و یکپارچگی فرهنگ و هویت مشترک را در دانش‌آموزان تقویت می‌کنند. این جاست که تفکرات و اندیشه‌های وحدت‌گرایانه معلم می‌تواند ضامن تکوین هویت ملی در دانش‌آموزان گردد

مدرسه به عنوان محل عبور از دنیای فردی به دنیای جمعی، ویژگی‌های اجتماعی را بر ویژگی‌های فردی غالب می‌کند. دانش‌آموزان در اثر ارتباط مستمر با جمع و مشارکت با آن‌ها رفتارهای اکتسابی از جمع را به رفتارهای فردی تبدیل می‌کنند. رفتارها می‌تواند در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و اجتماعی باشد و سازنده ارکان هویت دانش‌آموزان شود. فضای مناسب آماده شده توسط معلم، زمینه‌ساز این رشد و شکوفایی در ابعاد هویتی است. معلم می‌تواند طریقه نیل به يك هویت موفق را با استفاده از نیازهای احساس مسئولیت و احساس ارزشمندی به دانش‌آموزان بیاموزد (گلاسر، ۱۳۸۰، ص ۳۹). يك بخش دیگر از هویت هر شخص، هویت ملی به عنوان مهم‌ترین نوع هویت جمعی است که در کشاکش تصور ما از دیگران شکل می‌گیرد و اصولاً پیرو دانش و بینشی است که ما در درجه اول خارج از خانواده یعنی در مدرسه دریافت می‌کنیم. معلمین در ایجاد و رشد این قسمت از هویت یکی از نقش‌های محوری را در جریان جامعه‌پذیری به عهده دارند، چرا که اصولاً یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش ایجاد حس مسئولیت مدنی، احترام و علاقه به کشور خویش و خدمتگزاری شایسته به آن در میان دانش‌آموزان است. مدارس از طریق کارگزاران

خود یعنی معلمان روحیه تعلق به يك ملیت و یکپارچگی فرهنگ و هویت مشترك را در دانش‌آموزان تقویت می‌کنند. این جاست که تفکرات و اندیشه‌های وحدت‌گرایانه معلم می‌تواند ضامن تکوین هویت ملی در دانش‌آموزان گردد.

۴- آموزش مهارت‌های فنی و تخصصی: توسعه اقتصادی مرهون وجود نیروهای متخصص و متعهد تربیت شده توسط نهاد آموزش و پرورش هر کشور است. بخصوص در دنیای امروز که با گسترش دانش و فناوری و تخصصی شدن هر چه بیش‌تر مشاغل لازم است افراد از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای لازم بهره‌مند شوند، وظیفه معلمان در جامعه‌پذیری شغلی و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای پذیرفتن نقش‌های شغلی آینده خود بیش از پیش آشکار می‌شود. به‌طور کلی، هر جامعه سنتی برای نوسازی و نواندیشی باید امکانات تولید را با افزایش مهارت‌های نیروی کار، کاربرد فناوری مناسب، تمهید افراد به رعایت قوانین، بالا بردن و تقویت وجدان و شعور اجتماعی افزایش دهد. آموزش و یاددهی این ویژگی‌ها از نکات مهم در جامعه‌پذیری توسط معلمان صالح است (شعاری نژاد، ۱۳۷۶، ص ۴۶).



معلم باید علاوه بر خصوصياتی چون علاقه به تدریس و تسلط بر موضوع درس و علاقه‌مندی به فراگیران، از ویژگی‌هایی چون ثبات عاطفی و روانی، آگاهی از فن و مهارت‌های آموزشی، روحیه همکاری و همدلی با فراگیران، برقراری رابطه میان جامعه و مدرسه، بینش و بصیرت سیاسی مناسب و... برخوردار باشد تا بتواند معلمی اثر بخش در فرایند اجتماعی کردن باشد

وسيعی از اين وظیفه به معلمان، به عنوان مبلغان ارزش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی و پایه‌گذاران اندیشه‌های علمی، سپرده شده تا حرف اول را در تربیت منابع انسانی بزنند. شاید به واسطه همین نقش کلیدی معلم در جامعه‌پذیری متعلمین است که معلم باید علاوه بر خصوصياتی چون علاقه به تدریس و تسلط بر موضوع درس و علاقه‌مندی به فراگیران، از ویژگی‌هایی چون ثبات عاطفی و روانی، آگاهی از فن و مهارت‌های آموزشی، روحیه همکاری و همدلی با فراگیران، برقراری رابطه میان جامعه و مدرسه، بینش و بصیرت سیاسی مناسب و... برخوردار باشد تا بتواند معلمی اثر بخش در فرایند اجتماعی کردن باشد و بتواند امانات در دست خود را که همانا انسان‌ها هستند برای ورود به جامعه و زندگی اجتماعی بهتر مهیا سازد.

فهرست منابع:

- آیت، حسین (۱۳۸۴). مقام معلم در جامعه اسلامی، مجله تربیت، وزارت آموزش و پرورش.
- رضائی، عباس (۱۳۸۵). معلم باغبان بوستان تعلیم و تربیت. مجله تربیت، وزارت آموزش و پرورش.
- ستوده، هدایت الله و دیگران (۱۳۸۰). مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی. تهران: آوای نور.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۶). فلسفه آموزش و پرورش. تهران: امیرکبیر.
- شیخاوندی، داوود (۱۳۸۱). تکوین هویت ملی در جریان تربیت. رشد علوم اجتماعی، وزارت آموزش و پرورش.
- علاقه‌بندی، علی (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: نشر روان.
- کوئن، بروس (۱۳۸۲). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات سمت.
- گلاسر، ویلیام (۱۳۸۰). مدارس بدون شکست. ترجمه ساده حمزه. تهران: انتشارات رشد.
- مایر، فردریک (۱۳۸۰). تاریخ فلسفه تربیتی. ترجمه علی اصغر فیاض. تهران: بنگاه نشر کتاب.
- مهرداد، هرمز (۱۳۷۶). جامعه‌پذیری سیاسی. تهران: انتشارات پازنگ.
- نظری نژاد، محمد حسین (۱۳۸۳). آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان. مشهد: انتشارات آستان قدس.

۵- ایجاد بینش و مهارت سیاسی: نظام آموزش و پرورش رسمی در برنامه‌ها و کتاب‌های آموزشی خود، هدف پرورش سیاسی دانش‌آموزان را در نظر دارد. معلم در مدرسه نه تنها نمی‌تواند و نباید خود و فراگیرانش را از سیاست و سرنوشت سیاسی خویش دور نگه دارد، بلکه باید در سیاست کشورش نقشی مؤثر به عهده داشته باشد. معلم به عنوان عضوی فعال در اجتماع از ابتدا زیربنای استقلال فکری، سیاسی آینده‌سازان را بنا می‌نهد (شعاری نژاد، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳). دیدگاه سیاسی معلم خواه ناخواه در ابراز عقاید به دانش‌آموزان منتقل می‌شود. حتی باید توجه داشت که چگونگی اداره کلاس درس توسط معلم نیز بر برداشت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی متعلمین اثرگذار است، به طوری که اتخاذ روش‌های آزادمنشانه توسط معلم، نگرش‌های دموکراتیک را به دانش‌آموزان می‌دهد و سبب تقویت آن می‌شود و متقابلاً اتخاذ روش‌های غیردموکراتیک و سخت‌گیرانه، نگرش‌های غیردموکراتیک را به یادگیرنده انتقال می‌دهد و گرایش‌های دانش‌آموزان را به نظام‌های سلسله‌مراتبی افزایش داده، کنش آن‌ها را نسبت به اقتدار و قدرت تقویت می‌کند (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۵۴).

جامعه‌پذیری تجربه‌ای است که در طول زندگی تداوم دارد و سیستم دو جانبه ارتباط میان فرد و جامعه است. از میان عوامل گوناگون جامعه‌پذیری شاید بتوان خانواده و نهادهای اجتماعی را مهم‌ترین دانست (نظری نژاد، ۱۳۸۳، ص ۲۲) و در بین نهادها، آموزش و پرورش و کارگزاران آن یعنی معلمان اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کنند. مدارس صرفاً مکانی برای انتقال محفوظات و آموزش دانش نیستند، بلکه در واقع وظیفه اصلی آن‌ها درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها، فرهنگ‌پذیری، تکوین هویت، پرورش سیاسی و آموزش مهارت‌های شغلی به دانش‌آموزان است که بخش